

A Study of the Function of Prayer in Imam Ali (PBUH)'s Speech Acts in Battlefields with an Emphasis on Phrasing the Glorification of Allah Based on John Searle's Speech Act Theory

Mohammad Hadi Amin Naji^{*}, Mozhgan Hami^{}**

Payam Sadriyyeh^{*}**

Abstract

Nahj al-Balagha contains different forms of talk with Allah. Given Imam Ali's attention to the talk in different contexts of his speech, his praying phrases in battlefields were chosen as the subject of the present study with an emphasis on Imam Ali (PBUH)'s phrasing of glorification of Allah. The phrases of glorification in *Nahj al-Balagha* are examined as speech acts with the analytic-descriptive method and by using library sources. The research findings show that while the speech acts are open to an emotional interpretation, by passing through the formal structure of the phrases, each of them is found to be open to several interpretations, and Imam Ali (PBUH) has utilized the underlying and intricate structure of the phrases to explain meanings and persuade the audience. Using the framework of John Searle's speech act theory, it was observed that expressives, directives and assertives are in descending order *Nahj al-Balagha*'s most frequent speech acts in Imam Ali's phrases of glorification of Allah in battlefields and that declarations and commissives have been less frequent.

Keywords: glorification of Allah, *Nahj a-Balagha*, war, speech act, John Searle.

^{*} Assistant Professor, Koranic, Hadith and Nahj al-Balagha Studies, Payam-e Nur University, Tehran, Iran
(Corresponding Author), aminnaji@pnu.ac.ir

^{**} PhD, Nahj al-Balagha Studies, Faculty of Koranic, Hadith and Nahj al-Balagha, Payam-e Nur University, Tehran, Iran, mozhgan.hami67@gmail.com

^{***} Ph.D. Candidate of Anthropology, Central Tehran Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran, psadr2020@gmail.com

Date received: 04/07/2024, Date of acceptance: 22/12/2024



کاربست نیایش در کارگفت‌های امام علی (ع) در میدان‌های جنگ با تأکید بر اسلوب تسبیح

بر اساس نظریه کنش‌گفتاری جان سرل

محمدهادی امین‌ناجی*

مژگان حامی**، پیام صدریه***

چکیده

نهج‌البلاغه شامل قالب‌های متفاوت گفتگو با خداوند است. توجه امام علی (ع) به این مسئله، در بافت‌های گوناگون سخن، سبب شد تا عبارات دعایی امام در میدان‌های نبرد با تأکید بر اسلوب تسبیح، برگزیده شود. عبارات تسبیحی نهج‌البلاغه، به‌مثابه کنش‌های گفتاری است که با روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی آن پرداخته شد. در این پژوهش مشخص شد که این کارگفت‌ها هر چند دربردارنده تعبیر یا خوانش عاطفی است، اما با گذر از ساختار صوری عبارات، هریک از کارگفت‌ها دارای تعابیر و خوانش‌های متعدد است که گوینده از ساختارهای نهفته و پیچیده عبارات برای تبیین معانی و اقناع مخاطب بهره برده است. چارچوب نظری این مقاله نظریه کنش‌گفتاری جان سرل انتخاب شد. با کاربرست این نظریه مشاهده شد کنش‌های عاطفی، ترغیبی، اظهاری به ترتیب پر بسامدترین کنش‌ها در عبارات تسبیحی نهج‌البلاغه در میدان نبرد است و کنش‌های اعلامی و تعهدی در کارگفت‌های امام علی (ع) در میدان نبرد کاربرد کمتری داشته است.

کلیدواژه‌ها: تسبیح، نهج‌البلاغه، جنگ، کنش‌گفتاری، جان سرل.

* استادیار، مطالعات قرآن، حدیث و نهج‌البلاغه، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،
aminnaji@pnu.ac.ir

** دکتری نهج‌البلاغه دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، mozhgan.hami67@gmail.com

*** دانشجوی دکتری انسان‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، تهران، ایران، psadr2020@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۲



۱. مقدمه

گفتمان نهج‌البلاغه، نشان از توجه ویژه امام به دعا در بافت‌های مختلف کلامی و گفتمانی دارد. عبارات دعایی در فراز و فرودهای نهج‌البلاغه و ضمن بافت‌های به ظاهر مترادف و متغیر، اصل ثابتی را از کنش‌های گفتاری امام و اصول رفتاری ایشان تبیین می‌کند. این اصل در شرایط متفاوت، کنش‌های گفتاری مختلفی را پدید آورده است که توجه به آن، درک کلام امام در نهج‌البلاغه را افزون می‌گرداند. همنشینی عبارات دعایی با عبارات پسین که گاه با هم‌آیی صورت‌های متنوع دعا چون تسبیح، تحمید، تنزیه و طلب و... به کار رفته است، و با توجه به فحوای کلام وصفی از پروردگار، افزون بر تحلیل متن، می‌تواند تبیین‌گر اسلوبی باشد که تأثیر کلام را بر مخاطب بیشتر خواهد کرد. اسلوب‌های متفاوت گفتاری گونه‌های مختلف کنش را به وجود می‌آورد که در نظریه کنش‌گفتاری جان سرل قابل تطبیق و تعمیم است. با به‌کارگیری این نظریه، یکی از مواقعی که امام علی(ع) با دعا و نیایش پروردگار خویش را می‌خواند، هنگام گفتگو با مردم و سپاهیان در هنگام مواجهه با دشمن و در میدان جنگ و جهاد است.

جهاد از فروع دین اسلام است، که در پرتو حکومت امام علی(ع) نقشی برجسته یافت و کارکردهای متنوعی به خود گرفت. امام علی(ع) در فرازهایی چند از نهج‌البلاغه بر امر جهاد تأکید ورزیده‌اند. جهاد از منظر امام(ع)، هر چند به‌عنوان آخرین گزینه مطرح شد، اما عنصری در حفاظت دین، ایمان و هدایت‌گری است. امام(ع) مبتنی بر این منطق آغاز جنگ را به تأخیر می‌انداخت تا شاید در میان سپاه دشمن کسانی هدایت شوند و علت تأخیر در آغاز جنگ را تنها اشتیاق به امکان هدایت ذکر می‌کند(نک: خطبه ۵۴)؛ شرایط ویژه دوران حکومت امام علی(ع) به گونه‌ای بود تا ابعاد متعدد و متنوعی از رویکرد به جهاد بر روی مردمان گشوده شود. از جمله مسائلی که در سیره امام(ع) پیگیری می‌شد، باز نمودن باب دعا در معنای عام بود. از این رو امام(ع) در حین عزیمت، آغاز نبرد، هنگامه نبرد، بحران‌های نبرد و پایان نبرد همواره دست دعا به سوی پروردگار بلند کرده و در زمینه‌های مختلف اعم از تحمید، تسبیح، تنزیه، طلب، نیایش و مناجات گفتگو می‌کردند.

در این مقاله تلاش شد در چارچوب نظریه کنش‌گفتاری جان راجرز سرل (John Searle)، فیلسوف و زبان‌شناس آمریکایی به تحلیل و تفسیر کنش‌های گفتاری متون همراه با عطف توجه به بسترهای اجتماعی، تاریخی و ادبی پرداخته شود.

کاربست نیایش در کارگفت‌های امام علی (ع) در ... (محمدهادی امین‌ناجی و دیگران) ۱۵۷

این دیدگاه مخالف برخی از دیدگاه‌هایی است که متن را بدون در نظر گرفتن بافت گفتمانی اجتماعی آن بررسی می‌کنند. چنین نگاهی در مطالعه متون دینی از اهمیت برخوردار است (حسینی معصومی، ۱۳۹۴: ۱۴۲).

در این راستا این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است:

- الگوی گفتمانی امام علی (ع) با تأکید بر اسلوب تسبیح در به‌کارگیری کنش‌های گفتاری در دعا‌های صادره در میادین جنگ چیست؟
- اسلوب تسبیح در نهج‌البلاغه دارای کدام نوع از کنش‌های پنج‌گانه گفتاری است و بسامد هر یک چگونه است؟

۲. پیشینه پژوهش

هرچند موضوع دعا در آثار متفاوتی مورد توجه قرار گرفته است، اما جستجوی نویسندگان در رویکرد کنش گفتاری نسبت به متن نهج‌البلاغه غیر از موارد زیر آثار دیگری را احصا نکرد.

نجفی ایوکی، رسول‌نیا، کاوه نوش‌آبادی (۱۳۹۶)، در مقاله «تحلیل متن‌شناسی خطبه شقشقیه بر اساس نظریه کنش گفتاری سرل»، پس از بررسی بافت مکانی، زمانی، تاریخی، به تحلیل کارگفت‌های خطبه شقشقیه پرداخته و به این نتیجه رسیدند که کنش اظهاری در این خطبه از بیشترین بسامد برخوردار است که این کنش با هدف و مقصود گوینده سخن متناسب است.

نگارش و فضائی (۱۳۹۰)، در مقاله «تحلیل خطبه ۵۱ نهج‌البلاغه بر اساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری»؛ پس از بافت‌شناسی خطبه از لحاظ مکانی، زمانی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی، با استفاده از جنبه‌های معناشناسی و نحوی به تحلیل کنش‌های گفتاری از دیدگاه سرل پرداختند. نتیجه تحقیق حاکی از آن است که امام علی (ع) به مقتضای حال و وضعیت جنگ در این خطبه از کنش‌های اظهاری و ترغیبی بهره بیشتری برده و کنش عاطفی به میزان کمتری استفاده کرده است.

افشاری (۱۳۹۵) در پایان‌نامه «شکر و آثار تربیتی آن در معارف علوی» با روش تحلیلی توصیفی به علل و انگیزه‌های شکر پرداخته و در ادامه به انگیزه‌های ناسپاسی و تبعات آن در فرد و جامعه پرداخته است.

افزون بر این موضوع دعا در برخی پژوهش‌های دیگری از جمله حیات عارفانه امام علی (ع)، آیت الله جوادی آملی به رشته‌ی تحریر درآمده است، که همگی ارزشمند و قابل

بهره‌مندی است؛ اما وجه ممیزه مقاله حاضر با پژوهش‌های پیشین، افزون بر توجه به شرایط گفتمانی، تحلیل و هماهنگی با الگوی کنش گفتاری سرل است.

۱.۲ ضرورت و اهمیت پژوهش

نهج البلاغه به عنوان الگویی از کلام انسانی خدامحور، دربردارنده گفتار امام علی(ع) در شرایط گوناگون و قالب‌های مختلف با خداوند است، که روشی برای برآوری نیازهای فردی و اجتماعی انسان، محسوب می‌شود و الگویی از نحوه گفتگوی انسان با خداوند، که البته نیازی خارج از حیطه جهان اکنون بوده و نیازی فطری و مجرد برای انسان محسوب می‌شود، بر روی مخاطب می‌گشاید. عرصه نبرد عرصه فراز و فرود و گریز و گذار است؛ اما در مکتب امام علی(ع) این میدان نه تنها میدان کارزار که حضور در عرصه‌ای است که بیش از هرچیز بر اصل هدایت تأکید دارد؛ نه صرف کسب پیروزی‌های ظاهری؛ و در صدد است تا حتی با سرسخت‌ترین دشمن خویش نیز با نگاهی رحمانی بنگرد و قبل از هر چیز معبری برای هدایت او به مسیر صلاح باز کند. این نگاه وقتی در عرصه گفتار می‌نشیند، خط مشی‌ای جدید بر شیوه‌های رایج در قوانین نانوشته جنگ و خونریزی که در فرهنگ جاهلی از آغاز تاکنون نمود دارد، می‌گشاید و اهداف انسانی را گسترش داده و پنجره‌ای نو بر سرشت انسانی آدمی می‌گشاید. از این منظر می‌توان جلوه رحمانی مکتب امام علی(ع) را در سرسخت‌ترین و خشن‌ترین جریان‌های حیات اجتماعی به تماشا نشست و رهاوردی جدید در نظام مواجهه با دشمن ترسیم کرد.

۳. مفاهیم نظری

۱.۳ مفهوم‌شناسی واژه دعا

دعا از ریشه «دع و» به معنای مایل ساختن چیزی به سوی خود با صدا و کلام است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۲: ۲۷۹). افزون بر این برای دعا معانی خواندن (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۴: ۲۵۸)؛ درخواست انجام دادن کار (العسکری، ۱۴۰۰، ۵۳۴) نیز آمده است. دعا در اصطلاح به معنای روی نیاز به درگاه خداوند و درخواست انجام کاری از او با حالت خضوع آمده است. این درخواست گاهی با اسلوب امر و نهی و گاه با جمله خبری، و گاهی از باب مجاز به صرف تمجید و ستایش خداوند به کار می‌رود (محمدری شهری، ۱۳۸۹، ۴: ۳۱۹). ابن منظور دعا و

کاربست نیایش در کارگفت‌های امام علی (ع) در ... (محمدهادی امین‌ناجی و دیگران) ۱۵۹

درخواست از خدا را سه‌گونه برشمرده است: بیان توحید و ثنای الهی، درخواست بخشش و رحمت و درخواست برای بهره‌دنیایی. این موارد در همه حال دعا نامیده می‌شود (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۱۴: ۲۵۷).

قرآن کریم و سنت نبوی نیز بیانگر قالب‌های متنوعی از دعا همچون: تسبیح، تحمید، تهلیل، توسل، نیایش، استغفار، مناجات، حدیث نفس، نفرین و... هستند. این تنوع خود‌گویای اهمیت جایگاه مقوله دعا و طلب از خداوند متعال در فرهنگ اسلامی است.

۲.۳ تسبیح

تسبیح، به معنای مقدس شمردن و مُبراً دانستن (تنزیه) خداوند از صفات سلبی و از هر نوع ضعف و نیاز است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۲۲۱) بالاترین حد تسبیح نفی صفات از خداوند است، زیرا پرستش خداوند از طریق صفات شرک است. پس تسبیح خدا به معنای حرکت از شرک به سوی توحید و از صفات به‌سوی ذات است. (ابن‌منظور، پیشین، ۳: ۱۵۵).

سبحان در اصل، مصدر است و گاه به‌عنوان یکی از اسمای الهی نیز استعمال شده است. در جمله سبحان الله، کلمه سبحان، مفعول مطلق است که قائم‌مقام و جانشین فعل شده است. بنابراین، معنای "سبحان‌الله" در واقع "سبحت‌الله تسبیحاً" است؛ یعنی خدای را تنزیه می‌کنم، تنزیه کردنی مخصوص و آن تنزیه و مبری ساختن او است از هر چیزی که لایق ساحت قدسش نباشد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۱۳: ۵).

تنزیه خداوند از تشبه به پدیدگان همچنین منزه بودن او از هرگونه نیاز و احتیاج در نهج‌البلاغه نمود یافته است؛ از این‌رو تسبیح یعنی یک سلسله مواردی که آدمی درک می‌کند و خداوند در مرتبه‌ای بس والاتر و برتر از آن قرار دارد، که با عبارت «سبحان‌الله» از او نفی می‌گردد.

بسامد واژه تسبیح و واژه‌های هم‌ریشه آن در نهج‌البلاغه نشان از اهمیت و توجه این واژه نزد امام علی (ع) دارد. در این میان واژه «سبحان» بیشترین بسامد را دارد. در قرآن کریم نیز سفارش به تسبیح بر سایر اذکار پیشی گرفته است.^۱

فعل تسبیح در فرهنگ دینی جلوه‌های متعددی می‌یابد از جمله تسبیح به مثابه شکر (نک: فتح/۱-۳)؛ تسبیح، به مثابه وسیله نجات (نک: صافات/۱۴۳). در جوامع روایی نیز باب مستقلی ذیل «کتاب الدعاء» تحت عنوان «باب الثناء قبل الدعاء» آمده است.^۲ تسبیح خداوند همچنین در

ادعیه ماثور نیز قابل مشاهده است. این مهم افزون بر مقام توحید عبادی، نفی هرگونه شرک و عیب از خداوند نیز هست. نوع گفتار و مناجات‌های امامان معصوم (علیهم‌السلام) با تسبیح خدا آغاز می‌شود و پایان می‌پذیرد و بر اساس نفی هرگونه شرک و اثبات توحید ناب، شروع و ختم می‌گردد. (نک: صدریه و سلمان‌نژاد، ۱۳۹۹)

۳.۳ جهاد

جهاد رکن‌اعلای اسلام (خطبه ۱۰۹) و یکی از چهار رکن ایمان (حکمت ۳۰) و دری از درهای بهشت است. خداوند آن را بر روی دوستان ویژه خود گشود، جهاد لباس تقوا و زره و سپر مطمئن خداوند است (خطبه ۲۷)؛ برترین وسیله‌ای که متوسلین به خداوند سبحان تمسک می‌جویند، جهاد زمینه ایمان به خداوند و رسول، قلعه رفیع اسلام و نشانه اخلاص مجاهدان و منطبق با سرشت توحیدی است (خطبه ۱۰۹). امام در تشویق به امر جهاد می‌فرماید: بشتابید به سوی جهاد! بشتابید به سوی جهاد! هرکس می‌خواهد به‌سوی خدا پر کشد، پس (از سکونت‌گاه خویش) خارج شود (خطبه ۱۸۱)، بهشت در زیر سایه نيزه‌ها است (خطبه ۱۳۴) و بهترین مرگ‌ها شهادت است (خطبه ۱۲۲).

هرچند جهاد ساحت‌های متعددی دارد از جمله جهاد با اموال، جان و زبان (نک: نامه ۴۷)، اما شرایط ویژه‌ای که در دوران حکومت امام (ع) پیش آمده بود، بالطبع زمینه را برای جهاد جانها آماده کرده بود. از این‌رو امام (ع) در فرازهای زیادی از نهج‌البلاغه به این فریضه پرداخته و ساحت‌های متعددی از آن را بر روی مردمان نمایان کرده است.

۴.۳ نظریه کنش‌گفتاری

نظریه کنش‌گفتاری بخشی از فلسفه زبان است؛ فلسفه زبان جنبه‌های عام و کلی زبان را توصیف و تبیین می‌کند. این جنبه‌ها اختصاص به زبان خاصی ندارد و نسبت به هر زبانی صادق است (سرل، ۱۳۸۵: ۲۰). سرل معتقد بود مطالعه کنش‌گفتاری مبتنی بر ظرفیت‌های اساسی ذهن است که از رهگذر حالت‌های ذهنی همچون باور، تمایل، نظایر و به‌ویژه از طریق عمل و ادراک آن، رابطه ارگانیسم با جهان برقرار می‌کند (سرل، ۱۹۸۳: ۷؛ نقل از ایوکی). از نظر سرل کنش‌های گفتاری به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم انجام می‌شوند. در کنش‌گفتاری مستقیم، گوینده مقصود خود را به صراحت بیان می‌کند و در کنش‌گفتاری غیرمستقیم گفتار

کاربست نیایش در کارگفت‌های امام علی (ع) در ... (محمدهادی امین‌ناجی و دیگران) ۱۶۱

خود را در قالب ایهام، کنایه و استعاره بیان می‌کند که این خود نیازمند تفسیر و تأویل است (عبدالحکیم، ۲۰۰۸، ۹۸). کنش‌های گفتاری مطلوب باید از شرایط ذیل پیروی کنند تا به‌طور کامل محقق شوند:

(الف) به عنوان پیش شرط، گوینده و شنونده باید دارای زبان مشترک و عاری از موانع ارتباط و مفاهمه باشند.

(ب) به عنوان نخستین شرط، گوینده باید جملاتی به زبان عادی و مشترک بیان کند.

(ج) جمله باید حامل رابط‌هایی دربارهٔ چگونگی وضعیت مناسب با آن نوع کنش گفتاری باشد.

(د) گوینده باید قصد کند که کنش گفتاری به واسطهٔ جمله انجام شود و حالات روانی مناسب آن را داشته باشد. شنونده نیز باید تصور کند که گوینده قصد و نیت مناسب را دارد. تحقق این شرایط از یک نوع کنش گفتاری به کنش گفتاری دیگر متفاوت است. در متن نهج‌البلاغه مطالعه بافت کلام در تحقق تشخیص نوع کنش گفتاری انتخاب شده، امری سودمند است. (نک: کاظمی، جمشیدی، ۱۳۹۵: ۱۸-۱۹).

۱.۴.۳ انواع کنش‌های گفتاری

کنش‌های گفتاری در دو نوع ساده و پیچیده دسته‌بندی شده‌اند. در کنش گفتاری ساده گوینده تنها معنای ظاهری کلام را در نظر می‌گیرد. اما در کنش‌های گفتاری پیچیده گوینده افزون بر معنای حقیقی، معنای مجازی دیگری را نیز استخدام می‌کند که از طریق توجه به بافت متن به معنای پنهان و کنایی آن پی برده می‌شود. این گونه پرداختن به معانی استعاری در ادعیه امام (ع) کاربرد به نسبت زیادی یافته است.

جان سرل کنش‌های گفتاری را در پنج گروه به شرح زیر دسته‌بندی کرده است:

- کنش‌اظهاری: کنشی که در آن فرد آنچه را که در جهان واقع رخ داده است، بیان کرده و نظر خویش را در مورد صحت و سقم آن بیان می‌کند. گوینده تعهد خویش را نسبت به صدق گزاره‌ها بیان می‌کند (سرل، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۷). نمونه: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُبْلَغُ مَدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ ... (خطبه ۱)».

- کنش‌ترغیبی: گوینده به ترغیب مخاطب دست می‌زند. درخواست‌ها در قالب این کنش قرار می‌گیرد (سرل، ۱۳۸۵، ۱۳-۱۷). به‌عنوان نمونه: «الْحَمْدُ لِلَّهِ كُلَّمَا وَقَّبَ لَيْلٌ وَغَسَقَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كُلَّمَا لَاحَ نَجْمٌ وَخَفَقَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ غَيْرَ مَقْقُودٍ...» (خطبه ۴۸).
 - کنش‌تعهدی: کنشی که در قبال آن گوینده خود را متعهد به انجام کاری می‌گرداند. که در آن گاه از الفاظی که بیانگر سوگند، یا تعهدهای گفتاری مثل قول دادن به انجام کار است، بهره می‌برد (سرل، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۷). نمونه: «وَاللَّهِ لَهِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ إِمْرَتِكُمْ إِلَّا أَنْ أَقِيمَ حَقًّا أَوْ أُدْفَعَ بَاطِلًا» (خطبه ۳۳).
 - کنش‌عاطفی: بیان حالت روانی گوینده درباره اوضاع و شرایطی است که در محتوای گزاره‌ها مشخص شده است. در این کنش احساس خود را در برابر رویدادها بیان می‌کند (سرل، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۷). نمونه: «إِنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَاتَا أُحْجَى فَصَبْرْتُ وَفِي الْعَيْنِ قَدْزَى وَفِي الْخَلْقِ شَجَا أَرَى تُرَائِي نَهْبًا...» (خطبه ۳).
 - کنش‌اعلامی: کنشی که اگر با موفقیت انجام شود، موجب تغییراتی در جهان بیرونی می‌شود. هدف این کنش اعلام شرایط تازه‌ای برای مخاطب است (سرل، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۷). نمونه: «أَمَّا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَقِيَامُ الْحُجَّةِ بَوُجُودِ النَّاصِرِ وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يَقَارُوا عَلَى كَيْفِهِ ظَالِمٌ وَلَا سَغَبٍ...» (خطبه ۳).
- از مزیت‌های طبقه‌بندی سرل می‌توان به انحصاری نبودن طبقات اشاره کرد. بدین معنا که یک پاره‌گفتار می‌تواند انواعی از کنش‌ها را هم‌زمان در برداشته باشد. به‌عنوان مثال در خطبه ۱۶۷ (إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَنْزَلَ كِتَابًا هَادِيًا يَبَيِّنُ فِيهِ الْخَيْرَ وَالشَّرَّ...) امام افزون‌بر اینکه در کنشی عاطفی با بیان احساسش، پروردگار را منزّه از آن می‌داند که هدایت، سعادت و رسیدن به صراط مستقیم را از بندگاش، بدون عوامل هدایت‌گر، بخواهد، در قالب کنش اظهاری نیز پروردگار و قرآن را به‌عنوان برترین راهنمای هدایت، معرفی می‌کند. در این مثال کنش عاطفی در کنار کنش اظهاری مشاهده می‌گردد.

۴. یافته‌ها

۱.۴ کنش‌های گفتاری _ دعایی امام در جنگ‌ها

امام در دوران حکومت خویش همواره با استفاده از تعامل و گفتگو در زمان‌های مختلف هم‌زمان با کنش‌های گفتاری گوناگون به تفسیر و توجیه و تبیین مسائل جامعه پرداخته است.

کاربست نیایش در کارگفت‌های امام علی (ع) در ... (محمدهادی امین‌ناجی و دیگران) ۱۶۳

کنش‌های گفتاری امام(ع) را در صحنه‌های نبرد به طور کلی در سه دسته می‌توان طبقه‌بندی کرد. خطابه‌های پیش از جنگ که بیشتر در راستای تشویق به نبرد و بیان انگیزه‌های الهی برای آن و نیز اصلاح نیتها است، اما گاهی در بخشی از این گفتارها با سخن با سپاهیان دشمن مواجهیم که بیش از هر چیز به ترغیب آنان در ترک مخاصمه و پیروی از حق و حقانیت خویش دلالت دارد.

سخنانی در حین نبرد، که جنبه عمومی و عاطفی و ترغیبی دارد. در این میان گاه مخاطب سخن، یک فرد بوده‌است، تا اشخاص مؤثر، در عرصه جنگ و هول و هراس آن از پای نیفتند. در نهایت سخنان پس از جنگ که معطوف به هدف بوده و بسته به شرایط موجود در میدان و سرنوشت جنگ به شرح حقایق پرداخته و شرایط روحی سپاهیان و مردمان را متناسب با وضعیت موجود ارتقا می‌بخشد. بدون تردید اشارات امام(ع) در طلیعه سخن بر ذات پروردگار که بر دعا در معنای عام دلالت دارد، گواهی است بر اندیشه‌ای که می‌خواهد با مردمان در میان گذاشته شود و از آن رهگذر راهی به بیان خویش بگشاید. می‌توان این‌گونه پنداشت که کنش‌های گفتاری_دعایی امام(ع) کلید ورود ایشان به بحث اصلی خویش بوده است.

۱.۱.۴ کنش‌های گفتاری در جنگ جمل

جنگ جمل، که به نبرد با ناکثین (پیمان‌شکنان) نام گرفت، جنگی همراه با شبهه‌افکنی‌های دو صحابی نامدار همراه بود که موجب تفرقه بین مسلمین شد. امام با مشاهده فتنه و شکاف در جامعه مسلمین تصمیم به مواجهه نظامی با ناکثین گرفت. زمینه جنگ جمل در آخر ربیع‌الاول سال ۳۶ هجری با حرکت امام از مدینه به سمت بصره آغاز شد.^۳

کارگفت‌های پیش از نبرد: امام در مسیر جمل، در منطقه ریزه در سال ۳۶ (مفید، ۱۳۸۶، ۱۳۲)^۴ در گفتاری با اسلوب تسبیح، که دلالت بر افعال الهی بر پایه حکمت دارد، در کنشی عاطفی و تسبیحی خداوند را منزّه از عمل خالی از حکمت، یا هدفی متعالی یاد می‌کند. این کنش گفتاری درصدد است تا با بیان احساس درونی گوینده نسبت به خداوند، در رابطه با فلسفه بعثت و رابطه آن با فرهنگ جاهلیّت، به گونه‌ای دیگر یاد خدا را احیا کند. در این فراز احساس گوینده در قالب ابراز عقیده گفته‌پرداز در فضای گفتمانی این‌گونه شکل می‌گیرد که مبنای جنگ بازگشت به فرهنگ جاهلیّت و نخوت حاصل از نسب، عشیره و نسبت‌های اعتباری است. الفاظ کلام، عرفی و آشکارا بیان شده‌اند و کمترین مانع ارتباطی منجر به خلل در فهم مخاطب وجود ندارد. از این‌رو با تصویرسازی از فضای دوران بعثت، مخاطب را به

برداشتی منطبق با آن موقعیت پیوند می‌دهد. از دیگرسوی درصدد است تا مخاطبان را با الگوپذیری از سنت پیامبر، در جهاد با ناکشین ترغیب کند، از این‌رو افزون بر کنش عاطفی در کنار کنش اظهاری، «کنش ترغیبی» انگیزشی نیز به چشم می‌خورد، تا مخاطبان بدانند دوری از مسیر هدایت پروردگار نتایج خوبی نخواهد داشت. (نک: خطبه ۱۰۴)

کارگفت‌های هنگامه جنگ: کنش‌های گفتاری امام(ع) در عرصه پیکار، هرچند غالباً جنبه عمومی دارد، اما گاه جنبه فردی به خود می‌گیرد. چنانچه در فرازی^۵ از خطبه یازدهم خطاب به محمدبن حنفیه، با اسلوب تسبیح، ضمن یادآوری فنون نظامی در مقابله با دشمن، بر نقطه امیدبخش پدیداری نصرت و یاری و در نهایت توفیق پیروزی از جانب پروردگار، تأکید می‌ورزد و به او آگاهی می‌بخشد که همواره وظیفه خویش را به یاد داشته باشد، اما در نهایت حصول نتیجه با خدا است. امام(ع) در این کنش گفتاری عاطفی، پروردگار را منزّه از نیازمندی به یاری و نصرت مردمان دانسته و جهاد را فرصتی برای سعادت و هدایت برمی‌شمارد. گوینده با این کارگفت‌ها مخاطب را متوجه قدرت بی‌انتهای الهی می‌نماید و به صدق سخنانش نیز متعهد می‌شود، به همین سبب با کنش اظهاری مواجهیم. همچنین از این منظر که این گفتار، نگرش جدیدی در مخاطب برمی‌انگیزد، در کنشی ترغیبی، به اصلاح نگرش و دمیدن روح توکل در وجود او پرداخته است.

کارگفت‌های پس از جنگ: مقارن با پایان جنگ و پیروزی بلافصل سپاهیان امام بر دشمن؛ امام(ع) ضمن خطبه‌ای^۶ به تبیین نکته‌هایی پرداخت (طبرسی، ۱۳۸۶، ۲۴۷)، جنگی که مبنایش فتنه‌آفرینی گروهی از صحابه بود. گوینده در پی آگاه‌سازی مردمان از علل و عوامل جنگ است. از این‌رو ضمن بیان و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر، این دو ویژگی را از ویژگی‌ها و صفات الهی معرفی می‌کند و با کنش عاطفی تسبیحی پروردگار را از داشتن صفات مذموم که موجب بلا و کاستی باشد، مبری می‌کند. احساس امام بیانگر اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر است، که برپایی آن منجر به سلامتی در دین و دنیای انسان‌ها، ایجاد امنیت، و آرامش و زندگی پایدار انسانی می‌گردد. گفتار گوینده ناظر به اینست که اگر این ویژگی در میان مردم حاکم بود هیچ گاه جنگی همانند فتنه‌ی جمل رخ نمی‌داد و مادامی که مسلمین ارزش و اهمیت آن را نادیده انگارند باید منتظر فتنه‌های مکرر اینچنینی باشند. گوینده در کنشی اظهاری آگاهی مخاطب را نسبت به اهمیت موضوع، تصحیح بینش‌ها و سنجش‌ها و علل به‌وجود آمدن جنگ افزایش داده است. همچنین با انگیزه‌ی ایجاد تغییر در رویه و نگرش مخاطبان، برای عمل و پایبندی به آن در قالب کنش ترغیبی آنها را تشویق می‌کند.

کاربست نیایش در کارگفت‌های امام علی (ع) در ... (محمدهادی امین‌ناجی و دیگران) ۱۶۵

در بخش بعدی نیز گوینده قبل از آیه قرآن، کنش عاطفی تسبیحی- نیایشی (سبحانه) را مجدد به کار برده است، تا اولاً سخنان خدای متعال را عین حق و حقیقت، و از هر نادرستی مبری گرداند، ثانیاً وعده امتحان الهی را حتمی‌الوقوع، که خلافتی در آن نیست، بیان کند.^۷ آنچه که در این فراز نیز به چشم می‌خورد اطلاع‌رسانی و آگاهی دادن از امتحانات الهی و آماده‌سازی جان‌ها برای سربلندی در آن است، که شامل کنش اظهاری و ترغیبی می‌گردد.

جدول ۱. کنش‌های گفتاری جنگ جمل

ردیف	خطبه	کنش	نوع	روش	تعداد	متن
۱	۱۰۴	عاطفی	مستقیم	تسبیح	۱	أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ [وَتَعَالَى] بَعَثَ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) وَ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْعَرَبِ يَقْرَأُ كِتَابًا ...
		اظهاری	غیرمستقیم	آگاهی	۱	
		ترغیبی	غیرمستقیم	انگیزش	۱	
۲	۱۱	عاطفی	مستقیم	تسبیح	۱	وَ اعْلَمُ أَنَّ النَّصْرَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ
		اظهاری	غیرمستقیم	یادآوری	۱	
		ترغیبی	غیرمستقیم	الگوپذیری	۱	
۳	۱۵۶	عاطفی	مستقیم	تسبیح	۲	وَ إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ لَخُلُقَانٌ مِنْ خُلُقِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ إِنَّهُمَا لَا يَفْرَبَانِ مِنْ أَجْلِ وَ لَا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ... إِنَّهُ لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ قَوْلَهُ: «الْم - أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ»
		اظهاری	مستقیم	آگاهی	۲	
		ترغیبی	غیرمستقیم	انگیزش	۲	

۲.۱.۴ کنش‌های گفتاری امام در جنگ صفین

جنگ صفین در پی کارشکنی‌های معاویه در برابر حکومت امام در گرفت. معاویه که از زمان خلیفه دوم والی شام بود، پس از خلافت امام حکومت شام را به کارگزار منتخب امام واگذار نکرد و زمینه ایجاد جنگ را فراهم نمود.

کارگفت‌های پیش از جنگ: اخلاق سیاسی، ضرورت روشنگری و انذار مخالفان همواره امام را در تعامل با دشمنانش از جمله معاویه قرار می‌دهد. از این‌رو امام علی(ع) در فواصل گوناگون با بیانات متفاوت به گفتگو با معاویه پرداخت و تلاش نمود با یادکرد حضور پروردگار، از وقوع جنگی دیگر جلوگیری کند. امام(ع) در شعبان یا رمضان سال ۳۶ هجری در نامه‌ای^۸ خطاب به معاویه(آمدی، ۱۳۴۲، ج ۲۷/۵)، با کار بست کنش عاطفی، با اسلوب تسبیح، پاداش و جزای اعمال بندگان را فراتر از محدوده دنیا یاد فرمود. چرا که دنیا حقیرتر از آن است که ظرفیت، و گنجایش پاداش یا عذاب بندگان را دارا باشد. بدین ترتیب مقتضای حکمت الهی این است که سرایی نامحدود برای بازتاب اعمال انسان‌ها وجود داشته باشد. امام(ع) در این پاره‌گفتار با کنشی اظهار جاییگاه دنیا را به معاویه یادآوری نمود، تا مانع ادامه اشتباهات وی شود.

همچنین در رمضان یا شوال ۳۶ در پاسخ به معاویه در گفتاری نامه^۹ ۲۸ را مرقوم فرمود(ابن‌اعثم کوفی، ۱۴۱۱، ۲: ۵۷۹-۵۸۲؛ ابن‌عبدربه، ۱۹۸۷، ۴: ۳۳۵). نویسنده در این موقعیت با تنزیه پروردگار از کلام نادرست و دروغ برای تبیین جایگاه و شرافت بالای خویش نسبت به گیرنده پیام، به آیه ۷۵ سوره انفال استناد می‌کند و در کنشی عاطفی احساسش را نسبت به لطف خدا بیان می‌کند.

شنیدن این کارگفت‌ها ظرفیت این را دارد تا مخاطب را نسبت به جایگاه خویش رهنمون دارد و برتری اصل و نسب خویش را بر او یادآوری کند. از این منظر کنش اظهاری مشاهده می‌گردد. از دیگر سوی به تلاش برای تغییر نگرش مخاطب می‌پردازد، تا دست از خودبرتربینی و تکبر بردارد، بر این مبنا کنشی ترغیبی نیز مشاهده می‌گردد.

افزون بر این امام(ع) در محرم سال ۳۷ هجری در نامه‌ای که پیش از نبرد صفین ارسال شد^{۱۰} (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ۴: ۳۷۰)، ضمن توصیف حالات معاویه و بیان مواضع او در برابر خلیفه سوم؛ با استفاده از اسلوب تسبیح در کنشی عاطفی، تلاش دارد معاویه را از آنکه بی‌پروا از خواسته‌های شیطانی پیروی کند و دست به اعمالی زندقه در نهایت از عقوبت الهی در امان باشد، انذار می‌دهد، درحالی‌که عدالت الهی اقتضا می‌کند که همگان نتیجه اعمال خویش را

کاربست نیایش در کارگفت‌های امام علی (ع) در ... (محمدهادی امین‌ناجی و دیگران) ۱۶۷

دریافت دارند. بدین ترتیب احساس خوشایند خویش را نسبت به خداوند با کنشی عاطفی بیان می‌کند. از آنجا که نویسنده با این بیان، حقایقی را برای مخاطب اظهار می‌دارد و به او یادآور می‌شود که با این رویه عقوبت ناخوشایندی در انتظار اوست، کنش اظهاری نیز از این کلام قابل برداشت است. همچنین کاربرت عبارت «سیحان‌الله» که با انذار مخاطب از عذاب الهی و هراس‌های پیرامون آن، بانگ جرسی است بر گوش مخاطب تا از خواب غفلت بیدار شود، برداشت دیگر این پاره‌گفتار، کنش ترغیبی است.

در هنگامه نبرد صفین: نبرد صفین در شوال سال ۳۷ به وقوع پیوست، اما با فرارسیدن ماه‌های حرام جنگ متوقف شد. امام(ع) با توجه به مسئولیت الهی خویش که آگاهی‌بخشی به مردمان است، در این زمان با استفاده از فرصت پیش آمده با ایراد خطبه‌هایی به زدودن پرده‌های غفلت و جهالت کوشید. از جمله در خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه^{۱۱} (کلینی، ۱۳۸۵، ۲۹۰) که تاریخ آن را ذی‌القعدة سال ۳۶ تا پایان محرم ۳۷ ذکر کرده‌اند، بارها با استفاده از اسلوب تسبیح مطالبی را بیان فرمود^{۱۲}.

در این خطبه گوینده در راستای حقوق اجتماعی، به بیان حقوق متقابل مردم و حکومت می‌پردازد، و از آنجا که در قالب کنش عاطفی بیان شده، بر نفوذ عاطفی کلام و اقناع مخاطب افزوده است. امام در کنشی عاطفی به سبب اهمیت موضوع در اصلاح، رشد، تعالی و در نهایت سعادت جامعه، رعایت حقوق متقابل را متضمن بقای جامعه و حرکت آن بر اساس عدالت که مایه حیات جامعه است، بیان می‌دارد. بیان این قوانین الهی به جهت علم لایتناهی الهی است که از روی حکمت و بصیرت تنظیم گشته است. گوینده با کاربرت کنش عاطفی تسبیحی احساسش را نسبت به پرودگاری که منزله است از اینکه احکام را بی‌هدف و غایت و بدون در نظر گرفتن خیر و شر پایه‌گذاری کند، بیان می‌کند.

سپس در کارگفتی دیگر به بیان حقوق الهی بر بندگان می‌پردازد. حقوقی که پروردگار برای خودش در نظر گرفته خیرخواهی و نیز یاری کردن یکدیگر است. در این عبارت امام(ع) خداوند را در مقام تنزیه از صفت نیاز، وصف می‌نماید.

تسبیح دیگر پروردگار در این گفتار متوجه بزرگی و عظمت جایگاه حق تعالی در عالم و بر نفس آدمی است و ناظر به این است که خدا منزله از آن است که کسی جز او لایق این بزرگی و عظمت باشد. این کنش‌های اظهاری در میدان نبرد راهی به سوی خودآگاهی و خداباوری بر مخاطب می‌گشاید تا ضعف ناشی از جنگ فرسایشی را کاهش دهد و نیز در کنشی ترغیبی سپاهیان را با استمداد از نیروی ایمان و پاداش الهی در میدان نبرد استوار نگه دارد. امام(ع) در

پی آن است که به اهمیت حقی که بر گردن امت دارد اشاره کند و آنان را متوجه گرداند که این تلاشی که آنان برای اطاعت سپاهیان می‌کنند، از روی خودخواهی و تکبر و برتری‌جویی نیست، بلکه خیری است که خدا برای بندگانش قرار داده است، تا به سمت خیر پیشی گیرند و با تمام قوا به مقابله با باطل پردازند.

کارگفت‌های پس از نبرد: امام(ع) در خطبه ۸۶ نهج‌البلاغه^{۱۳}، که بر اساس مستندات تاریخی در نهروان برای برانگیختن مجدد مردم به جنگ با معاویه ایراد شده است (محمودی، ۱۳۷۶، ۲: ۴۳۴) ضمن وصف خداوند، جایگاه حق تعالی را در جهان هستی به تصویر می‌کشد. سپس برای بهره‌مندی از فرصت دنیا و توشه‌اندوزی برای سرای باقی، سپاهیان را دعوت به ورود سریع (پس از جنگ نهروان) به سمت شام می‌نماید تا از حقی که خدا بر گردن آنها قرار داده، پاسداری کنند. در این بخش از کلام، ضمن بیان آفرینش هدفمند آدمی و نعمت‌های در اختیارش، از عبادت و یاری دین الهی به‌عنوان وسیله‌ای برای نیل به سعادت ابدی یاد می‌کند. گوینده قصد دارد با بیان کنش‌های اظهاری حقایق جهان را برای مخاطبان بازگو نماید و نقش و تأثیر آن‌را در بسامانی زندگی اخروی یادآور شود. قدرت درونی این عبارات به‌گونه‌ای است که توان تغییر درونی سپاهیان را داراست؛ از این‌رو متضمن کنش ترغیبی است.

امام(ع) بعد از جنگ نهروان بین سال‌های ۳۸ تا ۴۰ هجری بارها مردمان را به نبرد با معاویه فراخواند. اسلوب تسبیح در پاره‌گفتارهای امام مشهود است. به عنوان نمونه در خطبه‌ای که شریف‌رضی در اولین خطبه نهج‌البلاغه آورده است^{۱۴} نمایی کلی از عظمت و قدرت خداوند ارائه می‌دهد. در این گفتار گوینده با بهره‌گیری مکرر از کنش عاطفی تسبیحی، بر تنزیه خداوند از هرگونه نقص و کاستی پرداخته است. همچنین با کنش‌های اظهاری مخاطبان را نسبت به قدرت عظیم الهی آگاه می‌سازد و به بیان حقایقی از بعثت پیامبران و نزول کتاب‌های آسمانی پرداخته و یادآوری می‌کند که پروردگار مبری از آن است که آدمی را مختار بیافریند، اما راهنما و هدایت‌گری به‌سوی سعادت برایش مشخص نکند. در این گفتار افزون بر کنش‌های عاطفی و اظهاری، با کنش ترغیبی نیز مواجهیم که می‌کوشد با یادآوری الطاف الهی، و ترغیب مخاطب در تفکر، شکرگزاری و اطاعت از فرامین الهی، آنان را برای کوتاه کردن دست متجاوزان تحریک کند.

امیرالمؤمنین علی(ع) در خطبه ۱۰۹^{۱۵} ضمن بیان قدرت لایزال الهی، همه چیز را خاشع، متکی، فقیر، ذلیل، ضعیف، و پناهنده نسبت به او معرفی می‌کند. سپس در خطاب به پروردگار با کنشی عاطفی شأن و منزلت او را عظیم دانسته و او را از همانندی در منزلت منزّه می‌داند.

کاربست نیایش در کارگفت‌های امام علی (ع) در ... (محمدهادی امین‌ناجی و دیگران) ۱۶۹

اشاره امام در این خطبه به عظمت قدرت الهی از این باب است که بین سال‌های ۳۸_۴۰ که معاویه متوجه سستی سپاهیان حضرت برای جنگ دوباره با شامیان شده بود، با شیبخون به مناطق تحت حکومت امام سعی در ایجاد رعب و وحشت در میان مردم داشت. که شاید تصور قدرت عظیم شامیان و ترس و وحشت از شکست سنگین در مقابل آنان یکی از دلایل سستی و نافرمانی سپاهیان و مانع حرکتشان شده بود (جعفری، ۱۳۸۰، ۲: ۳۵۸). ازاین‌رو گوینده با معرفی و بیان قدرت الهی در صدد است تصور بزرگی قدرت هرچه غیر از خدا را در ذهن مخاطبان پوچ معرفی کند. سپس با بیان نعمت‌های دنیا و اندک دانستن آن در برابر نعمت‌های آخرت در صدد است تا یارانش را از دلبستگی و وابستگی به دنیا رها سازد و به آخرت متمایل گرداند. از این منظر می‌توان برای این عبارات کنش ترغیبی را نیز تحلیل نمود. در ادامه از ملائکه نام می‌برد موجوداتی که تمام تمایلشان منحصر به پروردگار است و با اینکه لحظه‌ای از اطاعت و پرستش الهی سر باز نمی‌زنند، اما باز هم اعمالشان را خرد و ناچیز می‌پندارند. به نظر می‌رسد گوینده با جلب توجه به وجود ملائک و اعمالشان در این گفتار قصد دارد متذکر گردد که پروردگار نیازی به یاری و کمک دیگری ندارد، که اگر اینچنین بود خلقت فرشتگان او را کفایت می‌کرد، بلکه هرچه هست لطف و رخصتی برای سعادت انسانها است.

در عبارت بعدی گوینده پروردگار را با عنوان آفریدگار و وجود شایسته پرستش مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: منزهی تو از هرچه ناشایستی است، زیرا تو آفریدی و امر به پرستش کردی و پاداش آن‌را سرای آخرت قرار دادی تو منزهی که به سرایی جز سرای آخرت که باقی و پایدار است و از نعمات و الطاف الهی مملو است رهنمون کنی و دنیا را با آرزوهای دور و درازی که سرانجامی جز تباهی و نابودی ندارد، برای پاداش بندگانت کافی بدانی. تو در این راه پیامبرانی را فرستادی تا به سویت فراخوانند اما افسوس که هیچ اجابت کننده‌ای فرمانت را اجابت نکرد.

در عبارات تسبیحی این خطبه امام چندین کنش تسبیحی عاطفی خطاب به پروردگار به کار برده است. افزون‌براین، با کنش اظهاری غیرمستقیم سعی در ایجاد شناخت و آگاهی نسبت به پروردگار دارد و متعهد به صدق گزاره‌هایی خود است، تا مخاطبان و سپاهیان، با معرفتی که نسبت به پروردگار پیدا کردند، توکل و توسل در وجودشان ایجاد گردد و به جنگ و جهاد با معاویه ترغیب شوند. از این حیث این پاره گفتارها شامل کنش ترغیبی نیز است.

جدول ۲. کنش‌های گفتاری جنگ صفین

ردیف	خطبه	کنش	نوع	روش	تعداد	متن
۱	ک: ۵۵	عاطفی	مستقیم	تسبیح	۱	أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ جَعَلَ الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا....
		اظهاری	مستقیم	آگاهی	۱	
		ترغیبی	غیرمستقیم	انذار	۱	
۲	ک: ۲۸	عاطفی	مستقیم	تسبیح	۱	وَهُوَ قَوْلُهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى "وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ
		اظهاری	مستقیم	تنبيه	۱	
		ترغیبی	غیرمستقیم	انذار	۱	
۳	ک: ۳۷	عاطفی	مستقیم	تسبیح	۲	فَسُبْحَانَ اللَّهِ! مَا أَشَدُّ لَزُومَكَ لِلْأَهْوَاءِ الْفُتُونَةِ، وَالْخَيْرِ الْمُنْتَبِعِ، مَعَ تَضْيِيعِ الْحَقَائِقِ، وَأَطْرَاحِ الْوَتَائِقِ، الَّتِي هِيَ لِلَّهِ طَلَبُهُ، وَعَلَىٰ عِبَادِهِ حُجَّتُهُ
		اظهاری	مستقیم	آگاهی	۲	
		ترغیبی	غیرمستقیم	انذار	۲	
۴	ط: ۲۱۶	عاطفی	مستقیم	تسبیح	۱۶	فَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا بَوْلَايَهُ أَمْرُكُمْ.....وَلَوْ كَانَ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْزِيَ لَهُ وَلَا يَجْزِيَ عَلَيْهِ لَكَانَ ذَلِكَ خَالِصًا لِلَّهِ سُبْحَانَهُ ذُونَ خَلْقِهِ.....وَلَكِنَّهُ سُبْحَانَهُ جَعَلَ حَقَّهُ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يُطِيعُوهُ.....ثُمَّ جَعَلَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَقُوقِهِ حَقُوقًا اقْتَرَضَهَا لِبَعْضِ النَّاسِ عَلَى بَعْضٍ.....وَأَعْظَمُ مَا اقْتَرَضَ سُبْحَانَهُ مِنْ تِلْكَ الْحَقُوقِ حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَةِ وَحَقُّ الرَّعِيَةِ عَلَى الْوَالِي، فَرِيضَةُ فَرَضِهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِكُلِّ عَلَى كُلِّ.....فَهَذَاكَ تَدُلُّ الْأَثَرُ وَتَعَزُّ الْأَشْرَارُ وَتَعْظُمُ تَبَعَاتُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عِنْدَ الْعِبَادِ.....بِبَالِغِ حَقِيقَةِ مَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ أَهْلُهُ مِنَ الطَّاعَةِ لَهُ.....إِنْ مِنْ حَقٍّ مَنْ عَظُمَ جَلَالُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فِي نَفْسِهِ وَجَلَّ مَوْضِعُهُ مِنْ قَلْبِهِ أَنْ يَصْغُرَ عِنْدَهُ لِعَظَمِ ذَلِكَ كُلِّ مَا سِوَاهُ.....وَلَوْ كُنْتُ أَحِبُّ أَنْ يُقَالَ ذَلِكَ لَتَرَكْتُهُ
		اظهاری	مستقیم	آگاهی	۱۶	
		ترغیبی	غیرمستقیم	انگیزش	۱۴	

کاربست نیایش در کارگفت‌های امام علی (ع) در ... (محمدهادی امین‌ناجی و دیگران) ۱۷۱

ردیف	خطبه	کنش	نوع	روش	تعداد	متن
						انْحِطَاطًا لِلَّهِ سُبْحَانَهُ عَنْ تَنَاوُلِ فَلَا تُثْنُوا عَلَيَّ بِجَوِيلٍ ثَنَاءٍ لِإِحْرَاجِي نَفْسِي إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ....
۵	ط ۸۶	عاطفی	مستقیم	تسبیح	۲	فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا وَ لَمْ يَبْرُكْكُمْ سُذًى وَ لَمْ يَذْغِبْكُمْ فِي جَهَنَّمَ وَ لَا عَمَى ...
		اظهاری	مستقیم	آگاهی	۲	
		ترغیبی	مستقیم	انگیزش	۲	
۶	ط ۱	عاطفی	مستقیم	تسبیح	۱۳	فَمَنْ وَصَفَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَقَدْ قَرَنَهُ...ثُمَّ أَنشَأَ سُبْحَانَهُ فَتَقَى الْأَجْوَاءَ وَ شَقَى الْأَرْجَاءَ وَ سَكَنَاكَ الْهَوَاءَ...ثُمَّ أَنشَأَ سُبْحَانَهُ رِيحًا اغْتَمَمَ مَهْبِئَهَا وَ أَدَامَ مَرْيَبَهَا وَ أَغْصَفَ مَجْرَاهَا...ثُمَّ جَمَعَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَزْنِ الْأَرْضِ وَ سَهْلَيْهَا وَ عَذْبِهَا وَ سَبِجِهَا...فَقَالَ سُبْحَانَهُ [لَهُمْ] اسْجُدُوا لِأَدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ...وَ اسْتَأْذَى اللَّهَ سُبْحَانَهُ الْمَلَائِكَةَ وَ دَوَّعَتْهُ لَدَيْهِمْ وَ عَهْدَ وَصِيَّتِهِ إِلَيْهِمْ فِي الْإِدْعَانِ بِالسُّجُودِ لَهُ وَ الْحَنُوعِ لِتَكْرَمِيَّتِهِ... ثُمَّ بَسَطَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لَهُ فِي تَوْبَتِهِ وَ لَقَّاهُ كَلِمَةً رَحْمَتِهِ وَ وَعَدَهُ الْمَرَدَّ إِلَى جَنَّتِهِ وَ أَهْبَطَهُ إِلَى دَارِ الْبَلِيَّةِ وَ تَنَاسَلَ الدَّرُيَّةُ...وَ اصْطَفَى سُبْحَانَهُ مِنْ وَلَدِهِ أَنْبِيَاءَ أَخَذَ عَلَى الْوَسْخِ مِيثَاقَهُمْ وَ عَلَى تَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ أَمَانَتَهُمْ...وَ لَمْ يَخُلِ اللَّهُ سُبْحَانَهُ خَلْقَهُ مِنْ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ أَوْ كِتَابٍ مُنْزَلٍ أَوْ حُجَّةٍ لَازِمَةٍ أَوْ مَحَجَّةٍ قَائِمَةٍ...بَعَثَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مُحَمَّدًا -ص- رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) لِإِنْجَازِ عِدَّتِهِ...ثُمَّ اخْتَارَ سُبْحَانَهُ لِمُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و آله و سلم) لِقَاءَهُ وَ رَضِيَ لَهُ مَا عِنْدَهُ وَ أَكْرَمَهُ عَنْ دَارِ الدُّنْيَا وَ رَغِبَ بِهِ عَنْ مَقَامِ الْبُلُوِّ فَقَبَضَهُ إِلَيْهِ كَرِيمًا...وَ جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ عَلَّامَهُ لِنَوَاضِعِهِمْ لِعَظَمَتِهِ وَ إِذْعَانِهِمْ لِعِزَّتِهِ...
		اظهاری	مستقیم	آموزش	۱۳	
		ترغیبی	غیرمستقیم	انگیزش	۶	
۷	ط ۱۰۹	عاطفی	مستقیم	تسبیح	۳	سُبْحَانَكَ مَا أَعْظَمَ شَأْنُكَ سُبْحَانَكَ مَا أَعْظَمَ مَا نَرَى مِنْ خَلْقِكَ..... سُبْحَانَكَ خَالِقًا وَ مَعْبُودًا بِخَشْنِ بَلَائِكَ عِنْدَ خَلْقِكَ خَلَقْتَ دَارًا...
		اظهاری	غیرمستقیم	آگاهی	۳	
		ترغیبی	غیرمستقیم	انگیزش	۳	

۳.۱.۴ کنش‌های گفتاری امام(ع) در جنگ نهروان

جنگ نهروان نبرد امام(ع) با خوارج در منطقه نهروان بود. امام(ع) به روشنگری در برابر خوارج پرداخته و خود را احتجاج‌کننده بر ضد خوارج معرفی نمود(خطبه ۷۵) و به شبهات آنان پاسخ داد. نخست عبدالله بن عباس را سوی آنان فرستاد. به وی توصیه کرد با سنت با آنان احتجاج نما(نامه ۷۷). سپس خود به میان آنان رفت و به پرسش‌ها و شبهه‌هایشان پاسخ داد(خطبه ۱۲۵). بسیاری قانع شدند و به کوفه بازگشتند. چهار هزار نفر از آنان بر عقیده خود باقی ماندند. امام(ع) در برخورد با آنان با استفاده از کنش‌های اظهاری، ابتدا صبورانه به افشاگری پرداخت(حکمت ۱۹۸؛ خطبه‌های ۴۰؛ ۱۸۴) و یاران خویش را از برخورد خشونت‌آمیز با نظر آنان نهی نمود(حکمت ۴۲۰) و درباره آنها فرمود: تا زمانی که به جنگ نپردازند با آنها جنگ نخواهند کرد. (دانشنامه نهج‌البلاغه، ۱۳۹۴، ۲۶۱).

گفتارهای پیش از جنگ: امام در صفر یا ربیع‌الاول سال ۳۷ هجری ضمن خطبه‌ای^{۱۶} (طبری، ۳۱۰ ق، ۵: ۵۲-۵۳) پس از بازگشت از صفین خطاب به خوارج، با بیان پاره‌گفتارهایی با اسلوب تسبیح، در قالب کنش عاطفی خداوند را منزّه از خطا یاد می‌کند، و در عین حال بیان می‌دارد که قرآن کریم، که بیان خداوند است، مکتوبی است در میان دو جلد، که به تفسیر و مفسر نیاز دارد و کسی جز اهل بیت به تفسیر و تأویل آن سزاوار نیست. گوینده در این عبارات درصدد آموزش نحوه رجوع به قرآن است و تأکید دارد که از گزاره‌های صادقانه بهره برده است. از این منظر عبارت بیانگر کنش اظهاری است و از آنجا که متضمن تغییر در نحوه نگرش خوارج در رجوع به قرآن و اصلاح فهم آنان از آیات الهی است، کنش ترغیبی قابل مشاهده است.

پس از بازگشت از صفین خوارج گفتند: علی با پذیرفتن حکمیت کافر شده است ما با او زیر یک آسمان زندگی نمی‌کنیم و به حروراء رفتند. خطبه ۱۲۲^{۱۷} بنابر قرائن اواخر ماه صفر یا اوایل ماه ربیع‌الاول سال ۳۷ هجری ایراد شده است(جعفری، پیشین، ۴۸۱). گوینده در کنشی اظهاری عملکرد آنها را در ضمن بیان واژه سبحان یادآور می‌شود و با قصد زدودن خطا و اشتباه و نقص و کاستی در کلام الهی، در کنشی عاطفی پروردگار را منزّه می‌داند از اینکه سخنی را بیان کند که منجر به گمراهی و ضلالت شود، بلکه چیزی که موجبات گمراهی خوارج را فراهم کرده است، نحوه رجوع و فهم نادرست آنان از آیات است. گوینده با بیان این پاره‌گفتار قصد دیگری نیز دارد و آن برگرداندن نظر خوارج و جلب موافقت آنان برای فهم صحیح قرآن است که کنش ترغیبی را دربرمی‌گیرد.

کاربست نیایش در کارگفت‌های امام علی (ع) در ... (محمدهادی امین‌ناجی و دیگران) ۱۷۳

کنش‌های گفتاری بعد از نهروان: امام در خطبه ۱۱۰^{۱۸} نهج‌البلاغه (ابن‌کثیر، ۱۴۱۱ق، ۷: ۳۰۶) که بر مبنای شواهد، تاریخ صدور آن باید اواخر سال ۳۷ باشد. در ابتدای این خطبه گوینده ضمن تسبیح پروردگار و ایمان به خدا، رسول و جهاد را برترین مستمسک به خدای سبحان می‌داند. از منظر امام تنها پروردگار منزله از هر نقص و کاستی است. از این‌رو کسی جز خداوند لایق و شایسته تمسک‌جویی نیست و تنها خداوند سزاوار این مقام و موقعیت است. بدین سبب از راه و روشی که خدا برای تمسک جستن به خودش و فلسفه‌ای که برای احکام الهی بنیان گذاشته است سخن می‌گوید.

در این گفتار امام با به‌کارگیری کنش‌های اظهاری به‌طور مستقیم به بیان اعتقادات پرداخته و به صدق آن تأکید می‌ورزد. مضاف بر اینکه تفکر جاهلانه خوارج را بی‌اعتبار می‌گرداند. از این رهگذر با استفاده از کنش ترغیبی، مغری باز می‌کند تا شاید تغییری در تفکر خوارج ایجاد گردد و از عملکردشان پشیمان شوند.

جدول ۳. کنش‌های گفتاری جنگ نهروان

ردیف	خطبه	کنش	نوع	روش	تعداد	متن
۱	۱۲۵	عاطفی	مستقیم	تنزیه	۴	وَلَمَّا دَعَا الْقَوْمُ إِلَى أَنْ تُحْكَمَ بَيْنَنَا الْقُرْآنَ لَمْ نَكُنْ الْفَرِيقَ الْمَتَوَلِّیَّ عَنْ كِتَابِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ [تَعَالَى عَزَّ مِنْ قَائِلٍ] سُبْحَانَهُ «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ
		اظهاری	مستقیم	آموزش	۴	
		ترغیبی	غیرمستقیم	انگیزش	۴	
۲	۱۲۲	عاطفی	مستقیم	تسبیح	۱	أَلَمْ تَقُولُوا عِنْدَ رَفْعِهِمُ الْمَصَاحِفَ حَبْلَهُ وَغِيْلَهُ وَ مَكْرَأً وَ خَدِيعَهُ إِخْوَانُنَا وَ أَهْلُ دَعْوَتِنَا اسْتَقَالُونَا وَ اسْتَرَاحُوا إِلَى كِتَابِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ.
		اظهاری	مستقیم	آگاهی	۱	
		ترغیبی	مستقیم	انگیزش	۱	
۳	۱۱۰	عاطفی	مستقیم	تنزیه	۱	إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى: الْإِيمَانُ بِهِ وَ بِرَسُولِهِ، وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِهِ...
		اظهاری	مستقیم	آگاهی	۱	
		ترغیبی	مستقیم	انگیزش	۱	

۵. تحلیل و جمع‌بندی

از رهگذر بیان پاره‌گفتارها، در عبارات تسبیحی امام(ع) با اسلوب تسبیح در میدان نبرد، فعل کنش‌گفتار روی داد. به نظر می‌رسد هدف اصلی کارگفت‌های تسبیحی امام علی(ع)، در میدان‌های نبرد، تنها دربردارنده کنش‌های عاطفی تنزیهی باشد، اما با گذر از ساختار صوری و ظاهری عبارات و توجه به بافت گفتمانی مشخص شد، هریک از کارگفت‌ها دارای تعبیر و خوانش‌های متعدد است، و گوینده برای تبیین معانی و اقناع مخاطب به دور از هرگونه موانع ارتباطی، به ساختارهای نهفته و پیچیده عبارات نیز توجه داشته است.

با تحلیل کنش‌های گفتاری بر اساس نظریه جان سرل می‌توان پنداشت که در الگوی گفتمانی گوینده، کنش‌های عاطفی، ترغیبی و اظهاری دارای بیشترین بسامد است، و کنش اعلامی و تعهدی کاربرد نداشته است. با دقت در کاربست این کنش‌ها مشاهده شد کنش مستقیم و ساده همه کارگفت‌ها ماهیت عاطفی دارد، و گوینده در آن احساس خویش را در خصوص تنزیه پروردگار، از تمامی حدود و ثغورهای ممکن بیان می‌کند. ازاین‌رو کنش‌های عاطفی دارای بیش‌ترین بسامد است. ضمن اینکه در بیشتر موارد در کنار کنش‌های عاطفی که برانگیزاننده عواطف و احساسات مخاطب است، گوینده تلاش کرده با کنش‌های اظهاری به تبیین مطالب بپردازد. درعین‌حال با توجه به بافت زبانی و گفتمانی، می‌توان دریافت که تقریباً در هر سه جنگ کنش عاطفی، زمینه‌ای برای بیان کنش‌های غیرمستقیم و پیچیده دیگر قرار گرفته است.

جدول ۴. مجموع کنش‌های گفتاری

ردیف	کنش	مستقیم	غیرمستقیم
۱	عاطفی	۴۸	۰
۲	اظهاری	۴۳	۵
۳	ترغیبی	۶	۳۳
	مجموع کنش‌ها	۱۳۵	

۱.۵ تحلیل کنش‌های جمل

نبرد جمل که نخستین جنگ مسلمین در مقابل یکدیگر بود، منافقین با شبهه‌افکنی و فتنه‌انگیزی فضای جامعه را به گونه‌ای مه‌آلود کردند که تشخیص حق از باطل به راحتی ممکن نبود. بدین

کاربست نیایش در کارگفت‌های امام علی (ع) در ... (محمدهادی امین‌ناجی و دیگران) ۱۷۵

سبب گوینده در این برهه تاریخی، از پیش از آغاز جنگ تا پس از آن، درصدد برآمد تا با کاربرد کنش‌های متعدد به تبیین و روشننگری بپردازد. ازاین‌رو در ابتدا کنش‌های عاطفی تسبیحی را برای ابراز احساس خویش نسبت به حکمت، هدفمندی و نصرت و یاری الهی بیان کرده و حق تعالی را بری از این نقصان یاد می‌کند. سپس برای آنکه تبیینی ملموس از فضای گفتمانی داشته باشد، با کنش‌های اظهاری مستقیم، بازگشتی به جاهلیت می‌کند و برای اینکه الگویی تمام و کمال که مورد پذیرش همگان باشد ارائه نماید، هنگامه بعثت رسول اکرم (ص) را یادآور می‌شود و در آخر ذهن‌ها را متوجه فریضه امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه الهی می‌گرداند. مخاطبان با مواجهه با این کنش‌ها اولاً ترغیب به الگوپذیری از پیامبر در امر جهاد شده، ثانیاً تشویق به اصلاح نگرش در توکل به حق تعالی و ایجاد انگیزه برای عمل و پایبندی به امر به معروف و نهی از منکر می‌گردند.

ثمره بیان احساس گوینده و یادآوری تاریخ و پایبندی به فرامین الهی، ایجاد انگیزه برای شرکت در جنگ و جهاد و در نتیجه شکست ناکثین گردید.

جدول ۵. تحلیل کنش‌های گفتاری جنگ جمل

ردیف	کنش	نوع	تعداد	هدف
۱	عاطفی	مستقیم	۴	بیان حکمت الهی
۲	اظهاری	مستقیم/غیرمستقیم	۲/۲	توصیف دوره جاهلیت/تبیین تغییرات با بعثت/ تبیین ضرورت فریضه امر به معروف و نهی از منکر
۳	ترغیبی	غیر مستقیم	۴	الگوپذیری از پیامبر/احیای نهی از منکر با جهاد در برابر ناکثین

۲.۵ تحلیل کنش‌های گفتاری صفین

جنگ صفین، در فاصله‌ای اندک از جمل در شرایطی متفاوت به وقوع پیوست. زیرا در جبهه مقابل معاویه با دنیایی از مکر و حيله به همراه سپاهی گوش به فرمان قرار داشت. بدین‌سان مطابق با گفتمان جدید کنش‌های تسبیحی افزون بر کنش‌های عاطفی و احساسی، بیشتر دربردارنده ی کنش‌های اظهاری است که ناظر بر تلاش گوینده برای توصیف و تبیین جایگاه دنیا و عقوبت حتمی الهی برای معاویه، در راستای هدایت او، از یک سو، و خودآگاهی و خداباوری سپاهیان برای استواری در میدان نبرد از سویی دیگر است. همچنین گوینده بیشترین

بهره را از ابزار گفتمان در قالب کنش‌های ترغیبی غیرمستقیم، با هدف برقراری ارتباط با سپاهیان و تهییج و تشجیع آن‌ها برای نابودی معاویه و یارانش، می‌گیرد. امام علی (علیه السلام) با آموزش توحید و خداشناسی و اشاره به هدف خلقت انسان و ارسال رسل و انزال کتب در حقیقت سعی می‌کند با سخنانش شرایطی را به وجود آورد تا دنیا و ماسوی الله در نظر سپاهیان کمرنگ شود و انگیزه‌ای برای تغییر رفتار در آنها ایجاد گردد.

جدول ۶. تحلیل کنش‌های گفتاری جنگ صفین

ردیف	کنش	نوع	تعداد	هدف
۱	عاطفی	مستقیم	۳۸	حکمت الهی / تنزیه خداوند از برخی صفات سلبیه
۲	اظهاری	مستقیم/غیرمستقیم	۳/۳۵	توصیف و نکوهش دنیا/نظام پاداش و جزای اخروی / تبیین و ایجاد انگیزه‌های خداپاوری نزد سپاهیان
۳	ترغیبی	مستقیم/غیرمستقیم	۲۵/۴	ترغیب سپاهیان به پایداری در نبرد با برجسته‌سازی جایگاه آخرت نسبت به دنیا

۳.۵ تحلیل کنش‌های گفتاری نهروان

عباراتی که در خصوص جنگ نهروان آورده شد، در ابتدا حاوی کنش‌های عاطفی تنزیه‌ای است تا پرودگار و قرآن کریم را از نقص و کاستی مبرا گرداند و اگر خوارج با رجوع به قرآن دچار گمراهی شدند، نقص به خودشان بازمی‌گردد و کج‌فهمی از خودشان بوده است. سپس با کنش‌های اظهاری تلاش می‌کند آموزش نحوه صحیح رجوع به قرآن را برای از مرتدین بازگوید. از این رهگذر با استفاده از کنش‌های ترغیبی، مغرّی باز می‌کند تا تغییری در تفکر خوارج ایجاد گردد و از عملکردشان پشیمان شوند. چنانکه مشهود است مخاطبین کلام امام در این نبرد سپاهیان دشمن هستند که با توجه به نظر امام(ع) که آنها را فریب‌خورده می‌دانست، نسبت به ایجاد زمینه‌های هدایت و بازگشت آنها کوشید.

جدول ۷. تحلیل کنش‌های گفتاری جنگ نهروان

ردیف	کنش	نوع	تعداد	هدف
۱	عاطفی	مستقیم	۶	تنزیه خداوند از گفتار باطل
۲	اظهاری	مستقیم	۶	تبیین ارتداد و بازگشت به قرآن برای منحرفین

کاربست نیایش در کارگفت‌های امام علی (ع) در ... (محمدهادی امین‌ناجی و دیگران) ۱۷۷

۳	ترغیبی	مستقیم/غیرمستقیم	۴/۲	ترغیب به ایجاد ندامت و بازگشت به سوی حق
---	--------	------------------	-----	---

۶. نتایج

۱. نظریه کنش‌های گفتاری جان سرل، چارچوب مناسبی برای تجزیه و تحلیل گفتار را در فضای گفتمانی فراهم می‌کند.

۲. امام علی(ع) به طور مناسب و متناسب در فرازهای گوناگون نهج‌البلاغه با کنش‌های گفتاری گوناگون به شرح بیان خویش پرداخته‌اند.

۳. کنش‌های گفتاری امام در میدان نبرد، به‌ویژه در دوره خلافت در تبیین الگوهای متفاوت در خور توجه است.

۴. نقش دعا به‌معنای عام در کنش‌های گفتاری امام(ع) به‌مثابه عاملی هدایتگر، نقشی برجسته است. در این میان اسلوب تسبیح به‌عنوان پربسامدترین واژه مورد بررسی قرار گرفت.

۵. از میان پنج رویکرد مطروحه در نظریه کنش گفتاری جان سرل، عبارت‌های دعایی نهج‌البلاغه، با اسلوب تسبیح، با سه نوع کنش گفتاری عاطفی، اظهاری و ترغیبی مواجه شده است.

۶. در پاسخ به اولین پرسش مطرح شده در مقاله که عبارت است از چیستی الگوی گفتمانی امام علی(ع)؛ طبق شواهد موجود، عبارات تسبیحی بیش از هرچیز به‌طور مستقیم بر کنش‌های عاطفی دلالت دارد که بیشتر در عبارات تنزیهی تجلی یافته است. تا از این رهگذر خداوند و الگویی که از طریق پیامبراکرم در دسترس مردمان قرار گرفته است را از مناهای و شبهات مصون سازد. پس از به‌کارگیری اسلوب تسبیح و تنزیه با کنش‌های اظهاری به دو گونه مستقیم و غیرمستقیم به تبیین و توصیف حقایق و رفع شبهات پرداخته و در نهایت پس از مرحله تبیین با بهره‌گیری از کنش‌های ترغیبی اهداف خود را در شرایط گفتمانی گوناگون پی می‌گیرد.

بدین‌ترتیب الگوی گفتمانی امام علی در کنش‌های گفتاری تسبیحی در میادین نبرد مطابق با الگوی زیر است:

عاطفی: مستقیم؛ با هدف تنزیه خداوند از صفات سلبیه؛

اظهاری: مستقیم/غیرمستقیم؛ با هدف تبیین و توضیح اهداف و توجیه و هدایت دشمنان؛

ترغیبی: غیرمستقیم/مستقیم؛ با هدف پیگیری اهداف.

۷. در پاسخ به پرسش دوم مسئله که عبارت بود از «چگونگی به‌کارگیری کنش‌های گفتاری با اسلوب تسبیح و نوع و بسامد آن در نهج‌البلاغه»؛ بیشترین کنش گفتاری موجود متعلق به کنش‌های مستقیم عاطفی، پس از آن کنش‌های مستقیم و غیر مستقیم اظهاری و سپس کنش‌های غیر مستقیم ترغیبی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. در روایتی از امام صادق(ع) نقل شده است: «هرگاه بنده‌ای «سبحان الله» بگوید، هر آنچه در زیر عرش قرار دارد، همراه با او تسبیح گویند و به‌گوینده این سخن، ده برابر پاداش داده می‌شود و هرگاه «الحمد لله» بگوید، خداوند نعمت‌های دنیا را بر او ارزانی دارد تا زمانی که با خداوند ملاقات کند و آن‌گاه نعمت‌های آخرت بر او ارزانی شود(طباطبایی، ج: ۳۰/۱۰).

۲. برای نمونه باید از الکافی شیخ کلینی یاد کرد که ذیل این باب ۹ حدیث ذکر کرده است(کلینی، ج: ۱۶۵/۲). با مروری بر باب دیگری با عنوان باب التسبیح و التهلیل و التکبیر در کتاب اصول کافی نیز به خوبی می‌توان مشاهده کرد که تسبیح در کنار تهلیل (لا اله الا الله) و تکبیر (الله اکبر) به عنوان دعا و نسخه‌ای برای حل مشکلات و سختی‌های مؤمنین از سوی امام معصوم صادر شده است. نمونه دیگر علامه مجلسی در بحارالانوار در کتاب الدعاء، باب ۱۷ درباره ضرورت تقدیم مدح و ثناء و صلوات بر پیامبر اکرم(ص) و خاندان ایشان قبل و بعد از دعا و طلب، روایاتی نقل می‌کند(نک: مجلسی، ج: ۳۲۲-۳۰۴/۹۰).

۳. امام(ع) در موارد مختلف جنایات ناکثین را بیان نموده‌است و از همراه بردن همسر پیامبر برای جنگ و کشتن خزانه‌داران بیت‌المال به غدر و توأم با شکنجه، شکایت می‌نماید. (نک: خطبه ۱۷۲). امام در خطبه ۲۱۸ نیز از حمله به خزانه‌داران بیت‌المال و این‌که اجتماع مردم بصره را دچار تشنگی نمودند و بر شیعیان یورش برده، عده‌ای را پس از اسارت کشتند، سخن گفته است. امام(ع) در سخنان خود از حکیم‌بن جبلة و سبابجه (محافظان بیت‌المال) به نیکی یاد کرد و از شهادت آنان بسیار متأثر شد؛ نیز (نک: دانشنامه نهج‌البلاغه، ۱۳۹۴، ۲۴۷).

۴. مَا بَعْدُ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بَعَثَ مُحَمَّدًا (صلی الله علیه وآیه) وَ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْعَرَبِ يَقْرَأُ كِتَابًا (خطبه ۱۰۴).

۵. وَ اعْلَمُوا أَنَّ النَّصْرَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ. (خطبه ۱۱)

کاربست نیایش در کارگفت‌های امام علی (ع) در ... (محمدهادی امین‌ناجی و دیگران) ۱۷۹

۶. وَ إِنَّ الْأَثَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ لَخُلُقَانٍ مِنَ خُلُقِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ إِنَّهُمَا لَا يُفْرَبَانِ مِنْ أَجَلٍ وَ لَا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ... (خطبه ۱۵۶)

۷. إِنَّهُ لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ قَوْلَهُ: «الْم - أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (همان)

۸. أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ جَعَلَ الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا وَ ابْتَلَى فِيهَا أَهْلَهَا (نامه ۵۵).

۹. وَ هُوَ قَوْلُهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى "وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ" (نامه ۲۸)

۱۰. فَسُبْحَانَ اللَّهِ! مَا أَشَدُّ لَزُومَكَ لِلْأَهْوَاءِ الْمُتَبَدِّعَةِ، وَ الْحَيْرَةِ الْمُتَبَعَةِ، مَعَ تَصْيِيعِ الْحَقَائِقِ، وَ أَطْرَاحِ الْوَتَائِقِ، الَّتِي هِيَ لِلَّهِ طَلِبَةٌ، وَ عَلَى عِبَادِهِ حُجَّةٌ (نامه ۳۷).

۱۱. فَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِي عَلَيكُمْ حَقًّا بَوْلَايَةِ أَمْرِكُمْ..... وَ لَوْ كَانَ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْرِيَ لَهُ وَ لَا يَجْرِيَ عَلَيْهِ لَكَانَ ذَلِكَ خَالِصًا لِلَّهِ سُبْحَانَهُ ذَوْنِ خَلْقِهِ..... وَ لَكِنَّهُ سُبْحَانَهُ جَعَلَ حَقَّهُ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يَطِيعُوهُ..... ثُمَّ جَعَلَ سُبْحَانَهُ مِنْ حُقُوقِهِ حُقُوقًا افْتَرَضَهَا لِبَعْضِ النَّاسِ عَلَى بَعْضٍ..... وَ أَغْظَمَ مَا افْتَرَضَ سُبْحَانَهُ مِنْ تِلْكَ الْحُقُوقِ حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَّةِ وَ حَقُّ الرَّعِيَّةِ عَلَى الْوَالِي، فَرِيضَةُ فَرَضَهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِكُلِّ عَلَى كُلِّ..... فَهَذَا لَكَ تَذَلُّ الْأَثَرِ وَ تَعِزُّ الْأَشْرَارِ وَ تَعْظُمُ تَبَعَاتُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عِنْدَ الْعِبَادِ..... بِيَالِغِ حَقِيقَةِ مَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ أَهْلُهُ مِنَ الطَّاعَةِ لَهُ..... إِنَّ مِنْ حَقِّ مَنْ عَظَّمَ جَلَالَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فِي نَفْسِهِ وَ جَلَّ مَوْضِعُهُ مِنْ قَلْبِهِ أَنْ يَصْنَعَ عِنْدَهُ لِعَظَمِ ذَلِكَ كُلِّ مَا سِوَاهُ..... وَ لَوْ كُنْتَ أَحَبُّ أَنْ يُقَالَ ذَلِكَ لَتَرَكْتَهُ انْحِطَاطًا لِلَّهِ سُبْحَانَهُ عَنْ تَنَاوُلِ..... فَلَا تُتَنَوَّلْ عَلَى بِجَمِيلِ ثَنَاءٍ لِإِخْرَاجِي نَفْسِي إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ.....

۱۲. جعفری، محمد مهدی (۱۳۸۰)؛ پرتوی از نهج البلاغه، ج ۳ ص ۶۳۳.

۱۳. فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا وَ لَمْ يَتْرُكْكُمْ سُدًى وَ لَمْ يَدَعْكُمْ فِي جَهَالَةٍ وَ لَا عَمَى...

۱۴. فَمَنْ وَصَفَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَقَدْ قَرَنَهُ... ثُمَّ أَنْشَأَ سُبْحَانَهُ فَتَقَى الْأَجْوَاءَ وَ شَقَّى الْأَرْجَاءَ وَ سَكَّنَكَ الْهَوَاءَ... ثُمَّ أَنْشَأَ سُبْحَانَهُ رِيحًا اغْتَنَمَ مَهَبَهَا وَ أَدَامَ مُرَبَّهَا وَ أَغْصَفَ مَجْرَاهَا... ثُمَّ جَمَعَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَزَنِ الْأَرْضِ وَ سَهْلِهَا وَ عَذْبِهَا وَ سَبَخِهَا... فَقَالَ سُبْحَانَهُ [لَهُمْ] اسْجُدُوا لِأَدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ... وَ اسْتَأْذَى اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْمَلَائِكَةَ وَ دِيعَتَهُ لَدَيْهِمْ وَ عَهْدَ وَصِيَّتِهِ إِلَيْهِمْ فِي الْإِذْعَانِ بِالسُّجُودِ لَهُ وَ الْخُنُوعِ لِتَكْرِيمَتِهِ...

ثُمَّ بَسَطَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لَهُ فِي تَوْبَتِهِ وَ لَقَاءِ كَلِمَةِ رَحْمَتِهِ وَ وَعْدَةِ الْمَرَدِّ إِلَى جَنَّتِهِ وَ أَهْبَطَهُ إِلَى دَارِ الْبَلِيَّةِ وَ تَنَاسَلَ الذَّرِّيَّةُ... وَ اصْطَلَفَى سُبْحَانَهُ مِنْ وَلَدِهِ أَنْبِيَاءَ أَخَذَ عَلَى الْوَحْيِ مِيثَاقَهُمْ وَ عَلَى تَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ أَمَانَتَهُمْ... وَ لَمْ يُخَلِّ اللَّهُ سُبْحَانَهُ خَلْقَهُ مِنْ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ أَوْ كِتَابٍ مُنْزَلٍ أَوْ حُجَّةٍ لَازِمَةٍ أَوْ مَحَجَّةٍ قَائِمَةٍ... بَعَثَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مُحَمَّدًا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله - رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) لِإِنْجَازِ عِدَّتِهِ... ثُمَّ اخْتَارَ سُبْحَانَهُ لِمُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و آله و سلم) لِقَاءَهُ وَ رَضِيَ لَهُ مَا عِنْدَهُ وَ أَكْرَمَهُ عَنْ دَارِ الدُّنْيَا وَ رَغِبَ بِهِ عَنْ مَقَامِ الْبُلُوغِ فَقَبَضَهُ إِلَيْهِ كَرِيمًا... وَ جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ عَلَامَةً لِتَوَاضُعِهِمْ لِعَظَمَتِهِ وَ إِذْعَانِهِمْ لِعِزَّتِهِ... (خطبه ۱)

۱۵. سُبْحَانَكَ مَا أَغْظَمَ شَانَكَ سُبْحَانَكَ مَا أَغْظَمَ مَا نَرَى مِنْ خَلْقِكَ..... سُبْحَانَكَ خَالِقًا وَ مَعْبُودًا بِحُسْنِ بِلَايِكَ عِنْدَ خَلْقِكَ خَلَقْتَ دَارًا.....

۱۶. لَمَّا دَعَانَا الْقَوْمُ إِلَى أَنْ نُحْكَمَ بَيْنَنَا الْقُرْآنَ لَمْ نَكُنْ الْفَرِيقَ الْمَتَوَكِّلَ عَنْ كِتَابِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ [تَعَالَى عَزَّ مِنْ قَائِلٍ] سُبْحَانَهُ «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ» خطبه ۱۲۵.
۱۷. أَلَمْ تَقُولُوا عِنْدَ رَفْعِهِمُ الْمَصَاحِفَ حِيلَةً وَغِيلَةً وَمَكْرًا وَخَدِيعَةً إِيحَاؤُنَا وَأَهْلُ دَعْوَتِنَا اسْتَفَالُونَا وَاسْتَرَاخُوا إِلَى كِتَابِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ
۱۸. نَ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى: الْإِيمَانُ بِهِ وَرِسُولُهُ وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِهِ.....

کتاب‌نامه

- قرآن کریم، ترجمه عزت‌الله فولادوند
- آفاگل زاده، فردوس (۱۳۹۲)، فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی، تهران: نشر علمی.
- ابن ابی الحدید (۱۳۷۸)، شرح نهج البلاغه، بتحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم؛ بیروت: دارالاحیاء الکتب العربیه.
- ابن اعثم کوفی (۱۴۱۱ق)، الفتوح، بیروت: دارالاولیاء.
- ابن جریر طبری، تاریخ الرسل و الملوک، افست از روی چاپ لیدن.
- ابن عبدربه، العقد الفرید، بیروت: دارالکتب العمیه، ۱۹۸۷م.
- ابن فارس، احمد بن ذکریا، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، مرکز النشر، ۱۴۰۴.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت دار الاصدار، ۱۴۱۴.
- ابن کثیر، اسمعیل بن عمر؛ البدایه و النهایه، بیروت: مکتبه المعارف، ۱۴۱۱ق.
- امین ناجی، محمد هادی؛ جعفری، محمد مهدی؛ حامی، مژگان (۱۴۰۱)؛ «بررسی کنش‌های تحمیدی امام علی (ع) با مردم و سپاهیان در مواجهه با قاسطین، با تکیه بر نهج البلاغه»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌نامه علوی، سال ۱۳، بهار و تابستان.
- ایوکی نجفی، علی؛ رسول‌نیا، امیرحسین؛ کاوه نوش‌آبادی، علیرضا (۱۳۹۶)؛ «تحلیل متن‌شناسی خطبه شقشقیه بر اساس نظریه کنش گفتاری سرل»؛ فصلنامه پژوهش‌نامه نهج البلاغه، سال پنجم - شماره ۱۹.
- پایا، علی (۱۳۸۳)، فلسفه تحلیلی، مسائل و چشم‌اندازها، تهران: طرح نو.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۴۲)؛ غرر الحکم و درر الکلم، مقدمه و تصحیح و تعلیق میرجلال‌الدین حسینی ارموی، تهران، دانشگاه تهران.
- جعفری، محمد مهدی (۱۳۸۰)، پرتوی از نهج البلاغه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- حسینی معصومی، سید محمد؛ رادمرد، عبدالله (۱۳۹۴)، «تأثیر بافت زمانی - مکانی بر تحلیل کنش گفتار، مقایسه فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم»، دوماهنامه جستارهای زیبایی، دوره ۶، ش ۳.

کاربست نیایش در کارگفت‌های امام علی (ع) در ... (محمدهادی امین‌ناجی و دیگران) ۱۸۱

_____، *دانشنامه نهج‌البلاغه*، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. انتشارات مدرسه، ۱۳۹۴.

الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دارالشامیه.
سرل، جان راجرز (۱۳۸۵)؛ *افعال‌گفتاری، جستاری در فلسفه زبان*، ترجمه محمدعلی عبداللہی، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

الشریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۳۸۹)؛ *نهج‌البلاغه*، م: محمد مهدی جعفری، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی ذکر.

صدریه، پیام و سلمان‌نژاد، مرتضی (۱۳۹۷)، *نیایش‌ها و ستایش‌ها در نهج‌البلاغه*، مشهد: به‌نشر.
صفوی، کوروش (۱۳۸۷)؛ *مبانی زبان شناسی*، تهران: وزارت آموزش و پرورش، تهران.
طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، م: سیدعبدالکریم موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، ابومنصور (ق ۱۳۸۶)، *الاحتجاج*؛ نجف: دارالنعمان.
ربانی‌خواه، احمد (۱۳۹۷)، *تحلیل دیدگاه عرفی بودن زبان نهج‌البلاغه*، دانشگاه پیام‌نور تهران جنوب.
العسکری، الحسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، *الفروق فی اللغة*، بیروت: دارالافتاء الجدیده.
کاظمی، فروغ؛ جمشیدی، سپیده (۱۳۹۵)، *نظریه کنش‌های گفتاری در فارسی و انگلیسی*، تهران: انتشارات داستان.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۵)، *روضة الکافی، النجف الاشرف: مطبعة النجف*.
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۰)، *اصول کافی*، قم: موعود اسلام.
مجلسی، محمد تقی؛ *بحار الانوار*، بیروت: دارالاصدار.
محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۹)، *دانش‌نامه امیرالمؤمنین (ع) بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ*؛ قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر.
محمودی، محمدباقر (۱۳۷۶)، *نهج‌السعادة فی مستدرک نهج‌البلاغه*، تهران: وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی، موسسه الطباعة و النشره.
مفید، محمد بن محمد (۱۳۸۶)، *الارشاد*، قم: سعیدین جیبر.

Searle, J. R. (1983). *Intentionality*. Cambridge: Cambridge University Press.

Buss, M. J. (1988). "Potential and Actual Interactions between Speech Act Theory and Biblical Studies". Semeia, Italy.